



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه قرآن و حدیث
پریس تهران

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان پایان نامه

بررسی تطبیقی فتاوی سه تن از علماء معاصر

در باب تصویر و مجسمه سازی

استاد راهنما

دکتر مهدی ساجدی

دانشجو

زهرا نصرالله زاده خراسانی

ماه و سال دفاع

اسفند ۹۵

السلامة والرفاهية
العلمية والابتكارية
التي هي
الهدف من
العملية
العلمية

«تمام حقوق این اثر متعلق به دانشگاه قرآن و حدیث است.»

این اثر ناقابل را تقدیم می‌کنم به:

مدافع حریم آل الله

طلبه مجاهد

جانباز هنرمند

تصویر بردار صحنه‌های نبرد حق علیه باطل؛

شهید محمد هادی ذوالفقاری

سپاسگزاری

حمد و سپاس بی‌کران خداوند متعال را که رسولانش را برای هدایت بشر برانگیخت. درود بر اهل بیت عصمت و طهارت که گفتار و کردارشان، چراغ هدایت را برافروخت. سلام بر شهیدان راه حق، بزرگ مردانی که با خون خود، راهی به سوی آسمان گشودند. از مادر و پدر مهربانم که تمام وجودم وامدار وجود مبارکشان است، تشکر و قدردانی می‌نمایم. از زحمات و راهنمایی‌های استاد ارجمند، جناب آقای حجت الاسلام دکتر مهدی ساجدی که در تمام مراحل تحقیق و نگارش با اخلاق نیکویشان، بنده حقیر را از راهنمایی‌های ارزنده‌شان بهره‌مند ساختند، تشکر بی‌پایان می‌نمایم. همچنین از مدیریت گروه فقه و حقوق اسلامی، جناب آقای حجت الاسلام دکتر حسام الدین ربانی به سبب زحمات و همکاری‌های فراوانشان تشکر می‌نمایم. از همسر گرامیم تشکر می‌کنم که با صبوری و همراهی خود، در نگارش این پژوهش سهم بسزایی داشتند. از خداوند متعال برای تمامی بزرگواری‌ها که سهمی در خوشه چینی این حقیر سراپا تقصیر از معارف اسلامی داشته‌اند، حسن عافیت و توفیقات روزافزون را مسئلت دارم.

چکیده

یکی از مباحث کاربردی در عصر حاضر مباحث مربوط به تصویر و مجسمه سازی است که دیدگاه فقها در این رابطه همچون دیگر ابواب فقهی دارای نقاط اشتراک و افتراق است. نوشته حاضر، پژوهشی پیرامون این موضوع است که هدف اصلی آن تبیین مبانی فقهی حکم تصویر و روشن شدن برخی ابهامات در این زمینه است. در این میان به بررسی آراء سه تن از فقهای معاصر پرداخته‌ایم. آراء امام خمینی (ره)، محقق خویی (ره) و مقام معظم رهبری (مدّ ظلّه العالی) و مبانی فقهی ایشان و نیز کار اصولی این بزرگواران را در راه رسیدن به احکام مربوط به تصویر و مجسمه سازی در حد بضاعت تبیین و بررسی کردیم.

در ارتباط با حکم تصویر باید گفت: تصویر در یک تقسیم به تصویر برجسته (مجسمه) و غیر برجسته (نقاشی و عکس) تقسیم می‌شود و نیز تصویر ممکن است از حیوان (موجود زنده) و غیر حیوان باشد که فقها از آن به غیر ذی‌الروح تعبیر می‌کنند. از مجموع آراء فقها می‌توان چنین نتیجه گرفت که اقوال در مورد تصویر غیر ذی‌الروح یکسان است و همگی قائل بر جواز هستند. اما در حکم تصویر ذی‌الروح، سه نظر مهم قابل استنباط است:

۱. جواز مطلق که مقام معظم رهبری (حفظه الله) به آن قائل است. البته به شرطی که تصویر ذی‌الروح، کامل نباشد.

۲. حرمت مطلق که محقق خویی (ره) بدان قائل شده است. البته ایشان در حکم نقاشی احتیاط واجب نموده است.

۳. تفصیل بین حکم نقاشی و تصویر برجسته (مجسمه) و قائل شدن به جواز در نقاشی و حرمت در تصویر برجسته (مجسمه) که فقهای نظیر امام خمینی (ره) چنین نظری را برگزیده‌اند.

با بررسی ادله عنوان شده به خصوص روایات مختلف و حتی متعارض و توجه به تکلیفی بودن حکم در این مسئله، به دست آمد که با در نظر گرفتن عنصر زمان و مکان و تاثیر آن در اجتهاد اگر در هر عصری بر مجسمه سازی، مفسده بت‌پرستی و شرک مترتب شود، حکم به حرام بودن آن خواهد شد، ولی اگر مجسمه سازی عنوان و مصداق تقویت و ترویج فرهنگ دینی باشد جایز است. رویکرد این پژوهش توصیفی بوده و روش تحقیق در آن، بهره‌گیری از ابزار اسنادی و کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: تصویر، مجسمه، عبادت، شرک، حکم تکلیفی.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات و مفاهیم تحقیق	۹
۱.۱. کلیات	۱۰
۱.۱.۱. بیان مسئله تحقیق	۱۰
۲.۱.۱. سوالات تحقیق	۱۱
۳.۱.۱. فرضیه اصلی تحقیق	۱۲
۴.۱.۱. فرضیات فرعی تحقیق	۱۲
۵.۱.۱. ضرورت و اهداف تحقیق	۱۲
۶.۱.۱. پیشینه تحقیق	۱۳
۷.۱.۱. ساختار تحقیق	۱۴
۲.۱. مفهوم شناسی مصطلحات تحقیق	۱۵
۱.۲.۱. تصویر	۱۵
۲.۲.۱. مجسمه	۱۷
۳.۲.۱. عبادت و پرستش	۱۸
۴.۲.۱. شرک و کفر	۲۰
۵.۲.۱. حکم تکلیفی و وضعی	۲۲
۶.۲.۱. تفاوت صورت گری و مجسمه سازی	۲۴
۷.۲.۱. تاریخچه مجسمه سازی و تصویرگری	۲۵
۳.۱. نگاهی گذرا به زندگی فقهای مورد بحث	۲۸
۱.۳.۱. امام خمینی (ره)	۲۸
۲.۳.۱. محقق خوئی (ره)	۳۱
۳.۳.۱. رهبر معظم انقلاب (حفظه الله)	۳۴

فصل دوم: ادله و آرای فقها در ارتباط با حکم تصویر ۳۸

۱.۲. ادله قائلین به جواز تصویر ۳۹

۱.۱.۲. آیات و نحوه دلالت ۳۹

۲.۱.۲. روایات و نحوه دلالت ۴۰

۲.۲. ادله قائلین به حرمت تصویر ۵۰

۱.۲.۲. آیات و نحوه دلالت ۵۱

۲.۲.۲. روایات و نحوه دلالت ۵۳

۳.۲. ادله قائلین به تفصیل ۵۹

۴.۲. مقایسه نظرات حضرت امام، رهبری و محقق خویی ۶۵

فصل سوم: فروع فقہی حکم تصویر ۷۰

۱.۳. خرید، فروش و نگهداری مجسمه ۷۱

۲.۳. تاثیر دخالت فاعل مباشر مختار در حکم به حرمت ۸۷

۳.۳. تاثیر نقصان و کمال ساخت مجسمه و نقاشی در حکم به حرمت ۹۲

۴.۳. تاثیر مشارکت یا انفراد در ساخت، در حکم تصویر ۹۵

نتایج پایانی و پیشنهادها ۱۰۰

فهرست منابع ۱۰۳

فصل اول

کلیات و مفاهیم تحقیق

۱.۱. کلیات

۱.۱.۱. بیان مسئله تحقیق

هنر و خلاقیت، از ابعاد غیر قابل انکار زندگی انسان در طول قرن‌های متمادی بوده و هست. همان گونه که نمی‌توان ویژگی شعور و دانش را در فرزندان آدم، به عنوان بارزترین نهاد فطری ایشان نادیده گرفت، نمی‌توان خلاقیت و هنرآفرینی و ابتکار را به عنوان رایج‌ترین، متنوع‌ترین و پیشینه‌دارترین نماد زندگی اجتماعی آنان مورد چشم پوشی قرارداد. سخن گفتن، وضع لغات، آفرینش خط، ساختن مسکن و لوازم ضروری زندگی، سرودن شعر، ترسیم پندارها و عقاید و اندیشه‌ها به صورت نقاشی و تجسم بخشیدن به آن‌ها، همه و همه جلوه‌های هم‌سنخ و جوشیده از ژرفای سرشت انسان است. اکنون با توجه به اصالت روحیه‌ی سازندگی و خلاقیت در زندگی اجتماعی انسان، خوب است به این نکته توجه کنیم که؛ آیا اسلام برای این تمایل عام و گسترده بشر، حد و مرزی قرارداده و قوانین و احکامی را در نظر گرفته است یا خیر؟

تحقیق در منابع فقهی و مدارک استنباط احکام شرعی، پاسخ مثبت را به سرعت در اختیار محقق قرار می‌دهد. اسلام، برخلاف مکاتب بشری و نیز برخلاف ادیان تحریف شده و مندرس که پیروانشان سعی در محدود کردن قلمرو نظرگاه‌های دین نسبت به مسائل درونی و شخصی دارند، علاوه بر تعیین برنامه‌های عبادی و معنوی درباره بسیاری از امور دنیوی و زندگی اجتماعی انسان نظر دارد و درباره آن‌ها حکمی کلی و یا جزئی بیان داشته است. مقوله هنر و آفرینش زیبایی‌ها نیز از آن جمله به شمار می‌آید. از قرآن و روایات، مسائل مربوط به این بُعد از گرایش مکلفان، از زوایای گونه‌گون مورد توجه قرار گرفته است و به تبع آن فقها و اسلام شناسان نیز، هر یک به مقتضای نیاز و بر اساس مدارکی که در اختیار داشته‌اند، به آن پرداخته‌اند و با

بیان استدلال‌های فقهی و اصولی خویش در به دست آوردن حکم شرعی هر یک از فروع این موضوع، احکام شرعی را تنقیح کرده‌اند.

در ارتباط با حکم تصویر باید گفت تصویر در یک تقسیم به تصویر برجسته (مجسمه) و غیر برجسته (نقاشی و عکس) تقسیم می‌شود و نیز تصویر ممکن است از حیوان (موجود زنده) و غیر حیوان باشد که فقها از آن به غیر ذی‌الروح تعبیر می‌کنند. از مجموع آرای فقها می‌توان چنین نتیجه گرفت که اقوال در مورد تصویر غیر ذی‌الروح یکسان است و همگی قائل بر جواز هستند. اما در حکم تصویر ذی‌الروح، سه نظر مهم قابل استنباط است؛

۱. جواز مطلق که فقیهانی همچون مقام معظم رهبری (حفظه الله) به آن قائل هستند. البته به شرطی که تصویر ذی‌الروح، کامل نباشد.

۲. حرمت مطلق که فقیهانی نظیر محقق خویی (ره) بدان قائل شده‌اند. البته ایشان در حکم نقاشی احتیاط واجب، نموده است.

۳. تفصیل بین حکم نقاشی و تصویر برجسته (مجسمه) و قائل شدن به جواز در نقاشی و حرمت در تصویر برجسته (مجسمه) که فقهایی نظیر امام خمینی (ره) چنین نظری را برگزیده‌اند.

در این رساله‌ی دانشجویی قصد داریم با بضاعت اندک خود به تبیین و بررسی آراء امام خمینی (ره)، محقق خویی (ره) و مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)، مبانی فقهی ایشان و نیز کار اصولی این بزرگواران در راه رسیدن به احکام مربوط به تصویر و مجسمه سازی بپردازیم. از این رو ضروری است در آراء فقها و مبانی فقهی و ادله‌ی هر یک از این فتاوا، تحقیق و تتبع صورت گیرد.

۲.۱.۱. سوالات تحقیق

سوال اصلی

فتوای سه تن از فقهای معاصر - امام خمینی (ره)، محقق خویی (ره) و مقام معظو رهبری (حفظه الله)

- در رابطه با هر کدام از موضوعات مجسمه سازی، نقاشی و عکس چیست؟

سوالات فرعی

۱- در بحث از حکم تصویر غیر برجسته چه موضوعاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد؟

۲- ساخت تندیس ناقص موجودات صاحب روح چه حکمی دارد؟

۳- حرمت تصویر، مختص به انجام آن به صورت مستقیم است یا شامل غیر مباشر نیز می‌شود؟

۳.۱.۱. فرضیه اصلی تحقیق

۱- در خصوص حکم هر کدام از موضوعات مجسمه سازی، نقاشی و عکس مقام معظم رهبری (حفظه الله) قائل به جواز مطلق و محقق خوبی (ره) قائل به حرمت مطلق هستند و امام خمینی (ره) در این ارتباط بین حکم نقاشی و مجسمه قائل به تفصیل شده‌اند.

۴.۱.۱. فرضیات فرعی تحقیق

۱- در بحث حکم تصویر غیر برجسته، نقاشی از ذی‌الروح (اعم از انسان و غیر انسان) و غیر ذی‌الروح و عکس این دو، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- کسانی که قائل به حرمت ساخت مجسمه هستند معتقدند که حرمت، شامل موردی می‌شود که حیوان بر آن صدق کند. لذا ساخت تندیس ناقص را حرام نمی‌دانند.

۳- برخی از کسانی که قائل به حرمت تصویر ذی‌الروح هستند، آن را مطلقاً حرام می‌دانند در حالی که برخی تنها در صورتی که فاعل مختار، مباشرتاً اقدام به تصویر سازی (مجسمه یا نقاشی و عکس) نماید، فعل را حرام می‌دانند.

۵.۱.۱. ضرورت و اهداف تحقیق

تصویر اعم از مجسمه سازی، نقاشی و عکاسی در جامعه امروز ما کاربرد فراوانی دارد. افراد مجسمه‌ها و نقاشی‌هایی را خریداری کرده و در خانه‌های خود نگهداری می‌کنند. همچنین از لحظات زندگی‌شان عکس برداری کرده و آن را برای خود و دیگران به نمایش می‌گذارند. این کاربردها منحصر در استفاده‌های شخصی افراد نیست، بلکه امروزه نهادهای خصوصی و دولتی از این هنر در پیش‌برد اهداف خود استفاده می‌کنند. نهادهایی مانند صدا و سیمای جمهوری اسلامی، وزارت ارشاد، به طور ملموس‌تر زیباسازی شهرداری‌ها و غیره. شرکت‌های خصوصی نیز با توجه به تقاضای امروز مشتریان، خدمات بسیار زیادی را در این زمینه ارائه می‌دهند و با توجه به گسترش ابتلاء جامعه به این موضوع فقهی، لازم است حکم مسئله برای کسانی که با این موضوع ارتباط دارند، تبیین گردد تا اگر از نظر فقهی محذوریت و الزاماتی وجود دارد، در این عرصه

رعایت گردد و نیز در این مسئله‌ی مهم و کاربردی ابهامی باقی نماند و زمینه حرکت جامعه اسلامی به سمت رعایت کامل قوانین شرع مقدس هموار گردد. همچنین روشن شدن حکم مسئله می‌تواند کاربران در این مجموعه‌ها و نهادها را جهت اسلامی سازی و رعایت ملزومات دینی و اعتقادی در تهیه‌ی مجسمه و عکس و نقاشی، یاری رساند.

هدف اصلی تحقیق، تبیین مبانی فقهی حکم تصویر و روشن شدن برخی ابهاماتی است که در این ارتباط وجود دارد تا حکم مسئله برای کسانی که با این مسئله در ارتباط هستند، کاملاً روشن و واضح گردد. به همین منظور در این پژوهش به بررسی و تتبع در آثار محقق خوبی (ره)، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (حفظه الله) به عنوان سه فقیه مشهور در زمینه احکام مربوط به تصویر، می‌پردازیم. این در حالی است که ایشان دارای نظرات گوناگون و حتی گاهی مخالف با یکدیگر هستند، بنابراین به بیان و بررسی نقاط افتراق و اشتراک و همچنین ادله و مناط حکم صادر شده از جانب ایشان خواهیم پرداخت.

۶.۱.۱. پیشینه تحقیق

با توجه به این که از شرایط تحقیق وسیع و شایسته در اطراف هر موضوع و مطلبی، آگاهی به تمام زوایا و موارد بحث از آن است، لازم می‌دانیم در این مقام اشاره‌ای کوتاه و فشرده به مواضع و مآخذ بحث داشته باشیم. بسیاری از فقهای شیعه و اهل سنت بحث از احکام مجسمه و نقاشی را در کتاب صلاة، باب لباس نمازگزار، مکان نمازگزار و احکام مساجد مطرح کرده‌اند و به مسائلی از قبیل: حکم نماز گزاردن با لباس و انگشتر دارای صورت و عکس و نماز گزاردن در مکانی که مجسمه یا عکس بر در و دیوار آن نصب شده باشد و حکم تزئین و زینت کاری مساجد توسط نقاشی، رنگ آمیزی و مجسمه سازی و نصب قاب عکس و منظره و مجسمه و مانند آن پرداخته‌اند.

برخی دیگر از بزرگواران مسأله مجسمه و نقاشی و حکم خرید و فروش و نگهداری آن را در کتاب المتاجر، باب معاملات و مکاسب محرّمه عنوان کرده‌اند.

برخی از فقهای شیعه همچون شیخ طوسی (ره) و علامه حلی (ره) بخشی از مسائل مربوط به مجسمه، نقاشی و حکم نگهداری و به کارگیری آن را در کتاب النکاح، باب الولیمه مطرح کرده‌اند؛ اما بیشتر فقهای اهل سنت مسئله را در این کتاب و باب بحث کرده‌اند و شیخ طوسی (ره) در مبسوط و علامه حلی (ره) در تذکره نیز، به تبع آنان چنین روشی پیش گرفته‌اند.

در میان آثار علمای معاصر نیز کتاب مستقل با این عنوان یافت نشد. ایشان نیز همچون علمای گذشته در کتب فقهی خود ذیل موضوع معاملات حرام، مکاسب محرمه، بحث نموده‌اند. آثار پژوهشی در این زمینه نیز بیشتر مقالاتی چند از اساتید محترم حوزه و دانشگاه مانند: مقاله "هنرهای تصویری و تجسمی در نگاه شیخ انصاری"، "تصویر در اسلام"، "حرمت مجسمه سازی و نقاشی" و یا "فقه و هنرهای تصویری و تجسمی" موجود است که بیشتر به مباحث کلی و برخی دیگر به بیان روایات در این زمینه پرداخته‌اند. همچنین پایان نامه‌هایی با عنوان "تندیس و نگاره در فقه اسلام با محوریت آراء امام خمینی (ره)" و "بررسی فقهی موسیقی، تصویر و مجسمه سازی در مذاهب خمس اسلام" نگاشته شده است. در مطالعه پیشین این آثار به موضوع پژوهش حاضر یعنی بررسی تطبیقی فتاوی متفاوت سه تن از علماء معاصر در باب تصویر و مجسمه سازی، توجه جدی نشده و در این میان جای مباحثی که به طور ویژه به بررسی تطبیقی آراء اختلافی فقهای عظام و مبانی اصولی ایشان بپردازد خالی است و نیازمند پژوهشی دقیق و شایسته است.

۷.۱.۱. ساختار تحقیق

این تحقیق از نوع بنیادی است که به روش توصیفی به موضوع می‌پردازد. تحقیق بنیادی پژوهشی است که به کشف ماهیت اشیاء پدیده‌ها و روابط بین متغیرها، اصول، قوانین و ساخت یا آزمایش تئوری‌ها و نظریه‌ها می‌پردازد و به توسعه مرزهای دانش رشته علمی کمک می‌نماید. هدف اساسی این نوع پژوهش تبیین روابط بین پدیده‌ها، آزمون نظریه‌ها و افزودن به دانش موجود در یک زمینه خاص است. پژوهش حاضر در زمینه احکام مربوط به تصویر یک نمونه تحقیق بنیادی است. سطح گفتمان ما کلی و انتزاعی در حوزه علم فقه است. روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای است. ابزارهای گردآوری داده‌ها نیز عبارتند از: کتاب چاپی، کتاب خطی، مقاله، اینترنت، نرم افزار، آرشیو، اسناد، منابع عربی و منابع ترجمه شده.

۲.۱. مفهوم شناسی مصطلحات تحقیق

یکی از مهمترین بحث‌های زیربنایی در هر کدام از شاخه‌های علوم انسانی، منطق دیالکتیک آن علم است. افراد مفاهیم را به وسیله الفاظ منتقل می‌نمایند لذا معنایی که افراد از الفاظ متوجه می‌شوند به طور مستقیم بر روی انتقال مفاهیم تاثیرگذار است به همین دلیل لازم است تا قبل از ورود به بحث اصلی، مفهوم واژگان کلیدی و پر کاربرد مورد استفاده در این رساله دانشجویی، مورد بررسی قرار گرفته و تعریفی صحیح و جامع که مورد استفاده فقها است ارائه شود.

۱.۲.۱. تصویر

نقاشی و مجسمه‌سازی در فقه، تحت دو عنوان صورت‌نگری و تمثال‌سازی بحث شده است از این رو لازم است پیش از هر چیز نسبت بین این دو واژه معلوم شود تا در صورت وجود تفاوت، حکم یک موضوع بر موضوع دیگر مترتب نشود.

صورت در لغت به معنی نقش، چهره و عکسی است که به شکل تصویر درآید.^۱ در کتاب قاموس قرآن که مفردات قرآنی را مورد بررسی قرار داده است در تعریف تصویر و کلمات هم ریشه با آن آمده است:

صورت به معنی شکل و جمع آن صور بر وزن صرد است و تصویر به معنی صورت دادن و شکل دادن

است: خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ﴾^۲

یعنی خداوند متعال شما را تصویر کرد و شکل‌هایتان را نیکو قرار داد.

۱. لویس، معلوف، المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة، بیروت، دارالمشرق، ۲۰۰۳م، ص ۱۳۸۵.

۲. غافر/۶۴.

مصورٌ نیز به معنای صورت دهنده، از جمله اسماء حسنی است. ﴿هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾^۱.

تصویر خدائی فقط به انسان اختصاص ندارد بلکه شامل تمام موجودات است و دقائق تصویر در همه مخلوقات ساری و هویدا است.^۲

در کتاب مفردات الفاظ قرآن کریم نیز چنین آمده است:

صورت آن چیزی است که هر مدرکی (الأعیان) به واسطه آن شکل می‌گیرد، و به وسیله آن از غیر خود شناخته می‌شود. صورت دو نوع است:

یکی محسوساتی است که عام و خاص، آن را می‌فهمند، بلکه انسان و تعداد زیادی از حیوانات با دیدن، آن را می‌شناسند، مانند شکل انسان، اسب و چهارپا و امثال این‌ها.

گروه دوم: تنها خواص، آن را درک می‌کنند، مانند مفهومی از عقل یا مفهوم دیدن که تنها انسان آن را می‌فهمد.^۳

برای فهم بهتر و تخصصی‌تر این واژه به سراغ کتاب‌های لغت شناسی علم فقه رفتیم. شیخ عیسی عاملی در کتاب الاصطلاحات الفقهية في الرسائل العملية چنین نوشته است:

تصویر دو قسم است، تصویر دارای جسم و تصویر بدون جسم. نوع اول مانند بت تراشیده شده از سنگ یا حفره‌های ایجاد شده در سنگ و چیزهایی مانند آن است و دوم آنچه که به وسیله قلم بر روی کاغذ و امثال کاغذ کشیده می‌شود و نقش نامیده می‌شود. و تمثال، بر شی دارای جسم و غیر آن اطلاق دارد.^۴

۱. حشر/۲۴: اوست خدای آفریننده عالم امکان و پدید آورنده جهان و جهانیان، نگارنده صورت خلق‌ها، او را نام‌های نیکو بسیار است.

۲. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۱۲ ه.ق، ج ۴، ص ۱۶۱.

۳. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان، دار العلم، ۱۴۱۲ ه.ق، ص ۴۹۷.

۴. عاملی، یاسین عیسی، الاصطلاحات الفقهية في الرسائل العملية، بیروت، دار البلاغة للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۳ ق، ص ۴۴.

۲.۲.۱. مجسمه

مجسمه در لغت عربی به معنی تمثال و جمع آن تمائیل است^۱ که در آیاتی از قرآن همچون: ﴿مَا هَذِهِ التَّمَائِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ﴾^۲ و ﴿يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَائِيلَ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ...﴾^۳ به کار رفته است.

رافعی در کتاب لغت خویش چنین آورده است:

"التَّمَائِيلُ" الصُّورَةُ الْمُصَوَّرَةُ وَ فِي ثَوْبِهِ. "تَمَائِيلٌ" أَي صُورُ حَيَوَانَاتٍ مُصَوَّرَةٌ." ۴

در لسان العرب برای تعریف واژه "التَّمَائِيلُ" آمده است:

اسمی است برای چیز ساخته شده که شبیه مخلوقی از خلق خداوند باشد. و جمع آن تمائیل است.^۵ تمثال به معنی مجسمه است. مجسمه چیزی است که از سنگ تراشیده شده باشد و یا از فلز و چیزی مثل آن ساخته شده باشد که به وسیله آن مخلوقی از طبیعت، شبیه سازی می‌شود. یا معنایی که رمز و نمادی دارد نشان داده می‌شود. همچنین تصویر روی لباس و چیزهایی از این قبیل. نزد مذهب جعفری مجسمه چیزی است که ساخته می‌شود و تصویر آن شبیه مخلوق ذی روح است.^۶

برای تعریف واژه مجسمه از کتاب مصطلحات فقهی کمک می‌گیریم:

جسم و مجسم به فتحه عبارت است از هر چیزی که طول و عرض و عمق داشته باشد و در ابعاد سه گانه قابل قسمت باشد و منظور از جسم، بدن حیوان است. در کتاب مفردات راغب جسم چنین تعریف شده است: جسم چیزی است که طول و عرض و عمق دارد و اجزای جسم از جسم بودن خارج نمی‌گردد هر اندازه که قطعه قطعه شده و تجزیه گردد. و خداوند متعال که در مورد منافقین می‌فرماید: ﴿وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ﴾ اشاره دارد بر اینکه غیر از شخصیت اشخاص، مفهوم قابل توجه دیگری وجود ندارد.^۷

۱. قرشی، علی اکبر، پیشین، ج ۶، ص ۲۳۶.

۲. انبیاء/۵۲: این مجسمه‌ها (بت‌ها) چیستند که پیوسته آن‌ها را عبادت می‌کنید؟!

۳. سبأ/۱۳: جن برای سلیمان آنچه می‌خواست از کاخ‌ها، مجسمه‌ها و کاسه‌هایی به بزرگی حوض‌ها می‌ساختند.

۴. فیومی، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، منشورات دار الرضی، بی‌تا، ص ۵۶۴.

۵. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۶۱۳.

۶. سعدی، ابوجیب، القاموس الفقهی لغة و اصطلاحا، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۸ق، ص ۳۳۶.

۷. مشکینی، علی، مصطلحات الفقه، بی‌جا، بی‌تا، ص ۴۷.

۳.۲.۱. عبادت و پرستش

عبادت در لغت، به معنای طاعت همراه با خضوع است و گاهی عبادت به معنای پیروی از روش و آیین است نه پرستش. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَقَالُوا أَنْوْمِنَ لِبَشَرٍ مِثْلنا وَ قَوْمهما لَنَا عابِدُونَ﴾.^۱
طبری در تفسیر جامع البیان می‌گوید:

«العبودية عند جميع العرب أصلها الذلة، وأنها تسمى الطريق المذلل الذي قد وَطَّئته الأقدام» یعنی اصل عبودیت که به نظر ایشان شامل عبادت نیز می‌شود، نزد همه‌ی اعراب به معنی ذلت و خاکساری است.^۲
همچنین در لسان العرب آمده است: «کسی که از خط مشی پادشاهی پیروی کند، او را پرستیده و عبادت کرده است.»^۳

در قاموس قرآن نیز آمده است که معنی جامع کلمه عبادت، همان اطاعت و تذلل با تقدیس است.^۴
عبودیت و خاکساری، باید فقط در برابر خدای متعال صورت پذیرد و حتی شایسته نیست عنوان عبد بر بردگان و کنیزکان اطلاق گردد.

واژه "عبد" دو ریشه صحیح و تقریباً متضاد دارد: نرم و رام (لین و ذُل) و شدت و غلظت. معنای ریشه اول عبد مملوک و بنده است. وقتی بخواهند از این ریشه در خصوص بندگان خدا فعل بسازند، گفته می‌شود: «عَبَدَ عَبْدٌ يَعْبُدُ عِبَادَهُ» ولی هنگامی که بخواهند برای بندگان فعل بسازند گفته می‌شود: «عَبَدَ» یعنی بنده شد و به بندگی اعتراف کرد. عبد یعنی کسی که خویشتن را وقف عبادت کرده است. مشرکان راه، بندگان و پرستش‌گران طاغوت و بتان می‌خوانند و مؤمنان را بندگان و پرستش‌گران خدای متعال. شتر نرم و راهوار، البعیر المعبد خوانده می‌شود. معبد یعنی رام. راه هموار را نیز بدین سبب «طریق معبد» می‌نامند. طریق معبد یعنی راهی که بر اثر گام‌های روندگان، نرم و هموار گردیده است. ریشه دیگر این واژه، «عَبَدَ» به معنای قوت و صلابت است. وقتی پارچه‌ای ضخیم و محکم باشد، گفته می‌شود: «هَذَا ثوب له عبده»؛ این پارچه‌ای است دارای ضخامت و استحکام.^۵

۱. مؤمنون/۴۷: پس گفتند: آیا به دو بشر که مثل خود ما هستند و طایفه آن‌ها بندگان ما می‌باشند ایمان بیاوریم؟

۲. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بی‌جا، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۱.

۳. ابن‌منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم، پیشین، ج ۴، ص ۶۶۴.

۴. قرشی، علی اکبر، پیشین، ص ۲۷۹.

۵. أبو‌الحسن، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۰۵.

"عبد" در قرآن به دو معنی آمده است. یکی به معنی بنده مملوک مثل آیه ﴿الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ﴾^۱ و دیگری عبد به معنی عابد و مطیع خدا در اخلاص و عبادت و اطاعت. مثل آیه ﴿وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ﴾^۲.

درباره خداوند دو جور عبادت داریم. یکی اطاعت از فرامین او و اینکه در زندگی روز مره راجع به حلال و حرام و غیره از دستورات خداوند و دین او پیروی کنیم، این عبادت به معنی طاعت و فرمانبری است. به احتمال قوی آیات: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾^۳ و ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي﴾^۴ شامل این عبادت هستند. دیگری تذللی است توأم با تقدیس یعنی بنده، نهایت خضوع و ذلت را در برابر حق اظهار می‌دارد و در عین حال او را از تمام نقائص پاک و به تمام کمالات دارا می‌داند و در زبان می‌گوید الله اکبر، سبحان الله، الحمد لله، ایاک نستعین و با بدن رکوع و سجود می‌کند.^۵

در فرهنگ‌نامه‌های فارسی معادل واژه "عبادت"، کلمه "پرستش" آمده است. دهخدا در این مورد آورده است:

«پرستیدن، مصدر است و یک مصدر بیش ندارد، (پرستیدم. پرست) عبادت، عبادت کردن».^۶

در اینجا لازم است تا معنای پرستش را نیز بیان کنیم. شهید مطهری معتقد است که پرستش نوعی رابطه خاضعانه و ستایش‌گرانه و سپاسگزارانه است که انسان با خدای خود برقرار می‌کند. این نوع رابطه را انسان تنها با خدای خود می‌تواند برقرار کند و تنها در مورد خداوند صادق است. در مورد غیر خدا نه صادق است نه جایز.

شناخت خداوند به عنوان یگانه مبدأ هستی و یگانه صاحب و خداوندگار همه چیز، ایجاب می‌کند که هیچ مخلوقی را در مقام پرستش، شریک او نسازیم. قرآن کریم تأکید و اصرار زیاد دارد بر اینکه عبادت و پرستش باید مخصوص خدا باشد و هیچ گناهی مانند شرک به خداوند متعال نیست.

برای اینکه مفهوم و معنی پرستش روشن شود و تعریف صحیحی بتوانیم از آن به دست دهیم لازم است

دو مقدمه ذکر شود:

۱. بقره/۱۷۸: مرد آزاد در مقابل مرد آزاد و بنده در برابر بنده و زن را به جای زن قصاص کنید.

۲. جن/۱۹: و چون بنده خاص خدا (حضرت رسول) قیام کرد و خدا را می‌خواند.

۳. فاتحه/۵.

۴. ذاریات/۵۶.

۵. قرشی، علی اکبر، پیشین، ص ۲۷۹.

۶. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشاران روزنه، ج ۴، ص ۱۸۳.

۱. پرستش یا قولی است یا عملی: پرستش قولی عبارت است از یک سلسله جمله‌ها و اذکار که به زبان می‌گوییم، مانند قرائت حمد و سوره و اذکاری که در رکوع و سجود و تشهد نماز می‌گوییم و ذکر لبیک که در حج می‌گوییم. پرستش عملی نیز اعمالی مانند قیام و رکوع و سجود در نماز یا وقوف عرفات و مشعر و طواف در حج است.

غالباً عبادت‌ها، هم مشتمل است بر جزء قولی و هم بر جزء عملی، مانند نماز و حج، که هم بر جزء قولی مشتمل‌اند و هم بر جزء عملی.

۲. اعمال انسان بر دو نوع است: بعضی از اعمال خالی از منظور خاص است و به عنوان علامت یک چیز دیگر صورت نمی‌گیرد، بلکه صرفاً به خاطر اثر طبیعی و تکوینی خودش صورت می‌گیرد. مثلاً یک کشاورز از آن جهت یک سلسله کارهای مربوط به کشاورزی را انجام می‌دهد که اثر طبیعی آن کارها را بگیرد. ولی برخی از کارها را به عنوان علامت یک سلسله مقصودها و ابراز نوعی احساسات انجام می‌دهیم. مانند اینکه به علامت تصدیق، سر خود را رو به پایین می‌آوریم و به علامت تعظیم و تکریم شخص دیگر خم می‌شویم. بیشترین کارهای انسان از نوع اول است و کمترین آن از نوع دوم. ولی به هر حال قسمتی از کارهای انسان از این نوع است که کاری برای ابراز مقصودی و نشان‌دادن احساسی صورت می‌گیرد. این نوع کار در حکم کلمات و الفاظ و لغات مستعمل و رایج است که برای افاده یک منظور و ابراز یک نیت به کار می‌رود. اکنون که این دو مقدمه دانسته شد می‌گوییم پرستش، چه قولی و چه عملی، یک کار معنی‌دار است. انسان با اقوال عبادانه خویش حقیقت بلکه حقایقی را ابراز می‌دارد و با اعمال عبادانه خود، از قبیل رکوع و سجود و وقوف و طواف و امساک همان را می‌خواهد بگوید که با اذکار قولی خود می‌گوید.^۱

۴.۲.۱. شرک و کفر

آشنایی با مفهوم عنوان شرک و کفر، به ویژه در فرهنگ و قاموس قرآن و حدیث از بایسته‌های آغازین تحقیق است تا حدود و مرزهای موضوع پژوهش مشخص گردد. ابتدا به تبیین واژه شرک می‌پردازیم و سپس معنای کلمه کفر را بیان می‌کنیم و با تعریف هر دوی این‌ها تفاوت‌شان نیز مشخص خواهد شد. در قاموس قرآن آمده است:

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، صدرا، ج ۲، صص ۷۸ و ۹۸.